

موانع و چالش‌های مشارکت عمومی و مدل پیشنهادی جهت افزایش مشارکت مردمی در جهش تولید

سعیده احمدی^۱

چکیده

از آنجاکه ارائه الگویی اثربخش که بتواند با جلب مشارکت عمومی باعث جهش تولید شود، از طریق شناخت چالش‌ها و موانع امکان‌پذیر است، در این گزارش ابتدا ابعاد و زوایای مختلف چالش‌هایی که مانع شکل‌گیری و حتی تخریب مشارکت عمومی در اقتصاد ایران شده، مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی موانع نشان می‌دهد که الگو و مدلی که بتواند با جلب مشارکت عمومی باعث جهش تولید شود، باید در گام نخست به دنبال احیای اعتماد عمومی باشد. این مهم از طریق مبارزه قاطع با فساد، اثربخش کردن مجازات و پرهیز از شعارزدگی، عمل به وعده‌های مسئولان، صداقت و شفاف بودن مسئولان با مردم، تقویت مسئولیت‌پذیری و تقویت فرهنگ پاسخ‌گویی در میان مسئولان امکان‌پذیر است. در کنار نخستین گام یعنی احیای اعتماد عمومی، در این الگو و مدل پیشنهادی گام‌های دیگری مانند تلاش برای ایجاد ثبات در اقتصاد کلان با توجه جدی به خرد جمعی خبرگان و نخبگان اقتصادی و تصمیم‌گیری دولتمردان با در نظر گرفتن اصول و قوانین اقتصادی، بهره‌گیری از فرصت‌های نوظهور اقتصاد دیجیتال، بهبود وضعیت تدبیر امور صندوق توسعه ملی و در نتیجه، تلاش برای افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، تلاش برای کوچک و چابک‌سازی دولت و افزایش بهره‌وری با کاهش فشارهای داخلی بر تولیدکنندگان و بخش خصوصی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: موانع و چالش‌های مشارکت مردمی، جهش تولید، مدل پیشنهادی، اعتماد عمومی.

مقدمه

در انتخاب شعار سال توجه ویژه‌ای به بخش «تولید» داشته‌اند. این موضوع در حالی است که امسال توجه به تولید با کلیدواژه مهم و اساسی «مشارکت مردمی» همراه بوده است. مشارکت مردمی یکی از کلیدی‌ترین عناصر در دستیابی به اهداف اقتصادی به شمار می‌رود و در فرایند توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌هایی که هر کشور می‌تواند با اتکا به آن مراحل رشد و توسعه را طی کند، مشارکت مردمی است.

در حال حاضر بخش تولید کشور با مشکلات بسیاری مواجه است. این مشکلات که نتیجه درهم‌تنیدگی مسائل سیاسی و اقتصادی است، باعث شده است تولید با مشکل مواجه شود و اقتصاد از تاب‌آوری کافی برای مقابله با این فشارها برخوردار نباشد و کشور وضعیت نامطلوبی را تجربه کند. با توجه به شرایط نامطلوب کشور در زمینه مسائل اقتصادی و تولید، رهبر معظم انقلاب اسلامی برای چندمین سال متوالی

1- موانع و چالش‌های مشارکت عمومی در جهش تولید

مشارکت کنش اجتماعی است و برای ایجاد آن یا دلایل عدم شکل‌گیری آن، باید عوامل مؤثر بر مشارکت را به‌درستی شناسایی و اعمال کرد. در نقطه مقابل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مشارکت عمومی به‌عنوان کنش، موانع و چالش‌هایی نیز هست که این کنش اجتماعی را تضعیف می‌کند یا مانع شکل‌گیری آن می‌شود. شناخت این موانع و چالش‌ها و برطرف کردن آن‌ها در ایجاد و شکل‌دهی دوباره مشارکت عمومی اثرگذار است. براین‌اساس، در ادامه به مهم‌ترین موانع و چالش‌های مشارکت عمومی در جهش تولید پرداخته می‌شود.

1-1- فساد و خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی مانع مشارکت مردمی در اقتصاد

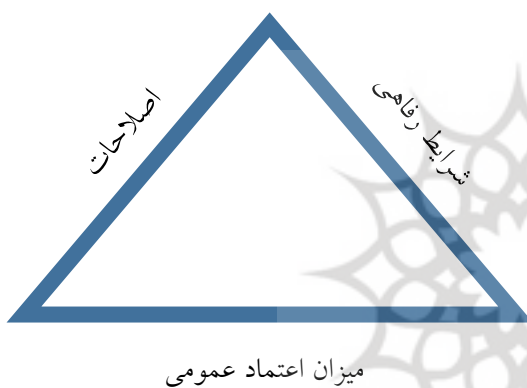
همان‌گونه که بارها در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی اشاره شده، یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی فساد در جامعه، کاهش اعتماد و مشارکت عمومی مردم است. از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی، بی‌اعتمادی و پایین آمدن مشارکت، آثار اولیه برخورد نکردن با مفساد اقتصادی است. هیچ عاملی (نه ناکارایی، نه ضایعات، نه مالیات‌های سنگین، نه وجود مقررات بیش از حد و نه حتی شکست در جنگ)، دولت و حکومت را از ریشه نمی‌لرزاند به‌جز این باور که عامه مردم تصور کنند که دولتمردان فاسدند. زمانی که این باور میان مردم فراگیر شد و برای مدت طولانی تداوم یافت، عامه مردم ایمان خود را نسبت به کارآمدی دولت از دست می‌دهند. بدون اعتماد به

شهروندان نقش حیاتی در حمایت و کمک به پاسخ‌گوتر و مؤثرتر شدن نهادهای عمومی و شفاف‌تر شدن رویه‌ها ایفا و راه‌حل‌های نوآورانه را برای رفع چالش‌های توسعه ارائه می‌کنند. شواهد بسیاری نشان می‌دهد که تحت شرایط مناسب، اشکال مختلف مشارکت شهروندان و پاسخ‌گویی اجتماعی منجر به حکمرانی بهتر، توانمندسازی شهروندان، روابط مثبت و سازنده‌تر شهروند-دولت، تقویت ارائه خدمات عمومی و درنهایت، جهش تولید و توسعه می‌شود. اگر رابطه ملت و حکومت مبتنی بر حس اعتماد و همکاری باشد، شوک‌های بیرونی حتی تبدیل به نقطه تحریک ارتقای کارآمدی می‌شود و می‌توان تهدیدهای بیرونی را به فرصت تبدیل کرد. در مقابل، اگر این رابطه دچار تزلزل شود، فشارهای کوچک هزینه‌های سنگینی به بار خواهد آورد.

با توجه به شرایط امروز کشور که از سویی هجوم‌های خارجی و از سوی دیگر، مشکلات داخلی را در مقابل خود دارد، توجه به افزایش مشارکت مردمی در زمینه کمک به جهش تولید ضروری است. باین‌حال، در چند سال اخیر به دلیل برخی وعده‌های بدون عمل دولت‌های مختلف، شکاف میان مردم و دولت افزایش یافته است. برای درک بهتر چگونگی جلب مشارکت مردمی، در این گزارش سعی شده است تا ابتدا موانع و چالش‌های مشارکت عمومی در اقتصاد در راستای جهش تولید مورد بررسی قرار گیرد. سپس بر مبنای اصول علم اقتصاد و تجارب کشورهای موفق، الگو و مدل پیشنهادی برای افزایش مشارکت مردمی در جهش تولید ارائه شود.

اینکه عامه مردم به اداره‌کنندگان کشور در اجرای اصلاحات و حل مشکلات اعتماد دارند یا خیر. اگر ضلع سوم یعنی اعتماد به مسئولان مورد خدشه واقع شده باشد، پیگیری آن دو ضلع دیگر یعنی اصلاحات اقتصادی و حل مشکلات رفاهی هزینه‌بر است و حتی مانع دستیابی به اهداف مورد نظر می‌شود.

شکل ۱- رابطه اعتماد عمومی و اصلاحات اقتصادی



مأخذ: احمدی، ۱۴۰۰.

مسئله اعتماد به مسئولان و مدیران ضلع اساسی در اصلاح موفقیت‌آمیز اقتصاد به شمار می‌رود و اگر این اعتماد با فساد خدشه‌دار شده باشد، نمی‌توان در این زمینه کاری از پیش برد. هنگامی که میزان اعتماد مردم نسبت به مسئولان پایین باشد، هرگونه قوانینی که تصویب می‌شود یا هرگونه اصلاحاتی که انجام می‌گیرد، از سوی عامه مردم پذیرفته و رعایت نمی‌شود و مردم دولت را در اجرای برنامه همراهی نخواهند کرد. از این رو نخستین گام دولت‌ها در اجرای برنامه‌هایشان، بنای اعتماد در جامعه است.

دولت‌ها، بازارها و مؤسسات، حمایت از اصلاحات لازم برای آن‌ها دشوار است.

ملموس‌ترین اثر اعتماد بر جامعه، اثری است که اعتماد بر کارکردهای اقتصادی جامعه دارد. بدیهی است که جامعه منسجم با صرف هزینه و زمان کمتر به اهداف اقتصادی خود می‌رسد. وجود اعتماد در جامعه سبب کاهش ریسک و نااطمینانی و از این رو موجب رونق فعالیت‌های اقتصادی و کنش‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود. بر این اساس، هر اتفاقی که سبب از میان رفتن اعتماد در جامعه شود، باعث می‌شود تا هزینه کنش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افزایش یابد و رکود در تمام سطوح کشور حکم‌فرما شود. شاید این پرسش پیش آید که اعتماد عمومی چگونه بر اقتصاد و اصلاحات اقتصادی اثر می‌گذارد؟

برای پاسخ به این پرسش باید بدانیم که متغیرهای اقتصادی به دلیل تأثیر مستقیمی که بر رفاه و سطح زندگی خانوار دارند، منشأ بسیاری از حرکت‌های جمعی در جامعه هستند. وضعیت اقتصادی هر کشور (به خصوص کشورهایی که نیاز به اصلاحات اقتصادی دارند) مانند مثلث، سه‌ضلعی است که یکی از اضلاع آن، شرایط رفاهی مردم و دیگری اصلاحات اقتصادی است. اصلاحات اقتصادی متنوع هستند، اما وجه اشتراکشان در این است که در کشورهایی مانند ایران لازم‌الاجرا هستند و در کوتاه‌مدت موجب تحمیل هزینه به عموم جامعه می‌شوند. ضلع سوم این مثلث نیز درجه اعتماد به دولتمردان است؛

ورشکستگی مواجه شوند. این بنگاه‌ها همچنین، از نفوذ خود برای انحصار قوانین، معافیت‌های مالیاتی و کمک‌های یارانه‌ای سود می‌برند و چون نسبت به دیگر شرکت‌های فعال در بخش خصوصی توان مالی بیشتری دارند، بهره‌وری در آن‌ها پایین می‌آید و در مجموع، سودی به نفع اقتصاد ندارند. وجود چنین تبعیض‌هایی زمینه عقب‌نشینی سرمایه‌گذاران و کل جامعه و در نتیجه، کاهش شدید مشارکت عمومی را به همراه می‌آورد.

۱-۳- بی‌ثباتی اقتصادی و عدم برنامه‌ریزی بلندمدت مانع مشارکت عمومی

ثبات اقتصادی یکی از الزام‌های دستیابی به جهش تولید و امنیت اقتصادی است. فقدان ثبات اقتصادی، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، مشارکت و فعالیت را از فعالان اقتصادی سلب می‌کند. در سال‌های اخیر، فقدان ثبات اقتصادی که تا اندازه زیادی متأثر از تحریم‌ها در کنار سوءمدیریت داخلی بوده، نوعی تفکر منفی در سطح جامعه از مصرف‌کننده تا تولیدکننده ایجاد کرده است. تجربه نشان داده است که نبود اطمینان در محیط اقتصادی به دلایل داخلی و خارجی، به آشفتگی‌های بیشتر در انتظار از آینده دامن می‌زند و در نهایت، به بروز بحران در سطح بازارها منجر می‌شود. نااطمینانی فعالان اقتصادی نسبت به آینده باعث می‌شود که افراد تصمیماتی اتخاذ کنند که تنها در کوتاه‌مدت رفاهشان را (بدون در نظر گرفتن رفاه عمومی) افزایش می‌دهد. چنین رفتاری در نهایت باعث چالش هرچه بیشتر برای اقتصاد و زیان بلندمدت تمام افراد جامعه می‌شود. در سال‌های اخیر از آنجاکه با شدت گرفتن معارضه نظام

۱-۲- قدرت‌گیری بخش شبه‌دولتی به واسطه خصوصی‌سازی‌های ناقص مانع مشارکت عمومی

بررسی خصوصی‌سازی‌های انجام‌گرفته در سه دهه اخیر نشان می‌دهد برنامه خصوصی‌سازی که در کشور انجام شده، مسیر رو به جلویی را پیموده، اما نه تنها به ایجاد بخش خصوصی و افزایش مشارکت مردمی در اقتصاد منجر نشده، بلکه باعث شده است بخش خصوصی تحت سلطه بخش دولتی قرار گیرد و به حیاط‌خلوت بسیاری از مسئولان دولتی تبدیل شود. به سبب خصوصی‌سازی‌های انجام‌گرفته ناقص در کشور، بخش عظیمی از اقتصاد در اختیار نهادهای شبه‌دولتی و عمومی قرار دارد و آن‌ها هستند که اقتصاد کشور را در راستای حفظ منافع خود راهبری می‌کنند و عموم مردم نقش چندانی در اقتصاد ایفا نمی‌کنند. حضور ذی‌نفعان بخش خصوصی در بخش‌های دولتی و عمومی موجب تعارض میان منافع عمومی و خصوصی می‌شود؛ زیرا زمانی که یک مجموعه بزرگ اقتصادی وجود داشته باشد موجب شکل‌گیری اجماع پول و قدرت می‌شود. از این رو چون منافع مدیریتی و اقتصادی به‌طور موازی تأمین می‌شود، برخی مسئولان دولتی می‌کوشند با استفاده از رانت‌های اطلاعاتی و مدیریتی و رانت‌های قانونی که در اختیار دارند، مجوزهای خاصی برای شرکت‌های خصوصی که در آن‌ها حضور دارند، بگیرند و منافع شخصی خود را افزایش دهند.

چنین بنگاه‌هایی در اولویت دسترسی به منابع مالی قرار دارند و احتمال کمتری وجود دارد که در شرایط کنونی کشور که شرایط رکودی است، با خطر

بخش‌های مولد و در نتیجه، تغییر در وضعیت تولید داخلی نخواهد بود. مصداق این بحث تعطیلی واحدهای صنعتی و تولیدی است که به دلیل اینکه دولت در سال‌های گذشته بسترهای مناسب برای جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را به این واحدها فراهم نیاورده است، سرمایه‌گذاران نیز با توجه به ریسک موجود در سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها، حاضر به سرمایه‌گذاری در آن‌ها نیستند.

به این ترتیب، فقدان رویکرد مشارکتی در کشور باعث عدم پیشبرد سیاست‌های حمایتی دولت از تولید داخلی در مناطق مختلف می‌شود و مشکلات موجود در تولید به قوت خود باقی می‌ماند. افزون‌براین، معمولاً دولتمردان و مسئولان هنگام تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی، خود را به جای بخش خصوصی می‌گذارند و سعی می‌کنند رفتار بخش خصوصی را پیش‌بینی کنند. در واقع، یکی از دلایل ناکارآمدی نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور، بی‌توجهی به مشارکت فعالان اصلی بخش خصوصی و نهادهای مردمی در تصمیم‌هایی است که برای آن‌ها گرفته می‌شود.

۱-۵- بیکاری، تورم و فقر گسترده مانع مشارکت عمومی در اقتصاد

در دو دهه اخیر دولت‌های مختلف ادعاهایی را درباره رفع بیکاری به‌عنوان معضل اقتصادی و اجتماعی مطرح کرده‌اند، اما تا به امروز حرکت مؤثری انجام نشده و همچنان اقتصاد ایران با طیف گسترده‌ای از بیکاران به‌خصوص افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی دست‌به‌گریبان است. این موضوع مترادف است با هدررفت سرمایه‌های انسانی کشور.

سلطه با جمهوری اسلامی، امیدی به تقلیل تنش‌های بین‌المللی و رفع تحریم‌ها وجود ندارد، این موضوع ریسک فعالیت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد؛ به طوری که ابهام نسبت به آینده باعث شده است تا در تمام بخش‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاران، کارآفرینان، تجار و... از گام برداشتن برای آغاز کار و اقدام جدید امتناع ورزند که این مسئله رکود تورمی را بیش‌ازپیش تشدید می‌کند.

۱-۴- فقدان رویکرد مشارکتی دولت مانع مشارکت عمومی و بخش خصوصی

رویکرد تصدیگری دولت در ایران و اجرای برنامه‌ها بدون بهره‌گیری از مشارکت بخش خصوصی، از عواملی است که باعث شده است اجرای سیاست‌های اقتصادی از جمله سیاست‌های تولیدی در کشور ناموفق باشد. دولت با توجه به محدودیت‌های منابع در بخش‌های انسانی و سرمایه‌ای می‌تواند از ظرفیت‌های درونی برای برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه تولیدی در مناطق مختلف استفاده کند، اما در تمام این سال‌ها به دلیل فقدان رویکرد مشارکتی، بستری برای تعامل دولت با بخش خصوصی به وجود نیامده است. چرایی این مسئله را می‌توان به رویکرد متمرکزگرای دولت و تکیه آن به درآمدهای نفتی نسبت داد. این موضوع باعث شده است تا بخش خصوصی سرمایه‌گذاری خود را متناسب با منافع خود و نه متناسب با منافع ملی و سیاست‌های تولیدی دولت تنظیم کند و تا زمانی که دولت در پی جلب مشارکت بخش خصوصی نباشد، قادر به اقناع بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در

دسترسی به منابع اجتماعی و دوم با طرد از مشارکت شامل مشارکت اقتصادی، مشارکت اجتماعی، مشارکت فرهنگی، کسب تحصیلات و مهارت‌ها، مشارکت مردمی و سیاسی و سوم با طرد از کیفیت زندگی شامل برخورداری از سلامتی و بهزیستی، منجر به انزوا و گسست در سلامت اجتماعی افراد می‌شود (احمدیان و کسرای، 1397).

1-6- تحریم‌ها مانع مشارکت عمومی در اقتصاد

با توجه به اعمال تحریم‌ها از ابتدای عمر نظام سیاسی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تعیین جهت و راهی برای گریز از آن و به‌طور کلی، کم‌اثر کردن تحریم‌ها به‌جای خنثی‌سازی و بی‌اثر کردن، راهبرد کلی دولت‌ها بوده است. در سال‌های اخیر نیز افزایش هرچه بیشتر فشارها از سوی دولت آمریکا و اعمال تحریم‌های بی‌سابقه علیه کشور باعث شده است تا دولت برای تسلط بیشتر بر اوضاع اقتصادی و تلاش برای مهار تورم و گرانی، در تمام زمینه‌ها به ارائه آیین‌نامه و دستورالعمل بپردازد تا کنترل خود را افزایش دهد که این موضوع به دولتی و سیاسی شدن هرچه بیشتر اقتصاد منجر شده است. در چنین شرایط اقتصادی‌ای، هر تصمیمی اعم از مالی و بانکی، سرمایه‌گذاری و تولید با ملاحظات سیاسی و خارج از چهارچوب‌های متعارف انجام می‌شود.

تصمیم‌های لحاظ‌شده در شرایط تحریم در برخی موارد به دلیل در نظر نگرفتن نظرهای عمومی مردم، مشارکت عمومی را دچار خدشه کرده است. ادامه‌دار بودن چنین شرایطی، مشارکت عمومی در اقتصاد را با مشکلات بیشتری مواجه می‌کند. باید در نظر داشت

نظام انگیزشی و پاداش‌دهی کشور نیز بسیار نامناسب و به هم ریخته است؛ به‌طوری‌که گفته می‌شود کسی نمی‌تواند با کار و تلاش به جایی برسد. باور رایج این است که تنها راه ثروتمند شدن و تأمین هزینه‌های زندگی، دلالتی و سوداگری است. این باور، باور خطرناکی است. با شکل‌گیری چنین باوری نمی‌توان انتظار داشت مشارکت مردمی در راستای جهش تولید شکل بگیرد.

وضعیت نامناسب رفاه اقتصادی خانوارها در میان اقشار مختلف جامعه (به‌خصوص دهک‌های پایین و متوسط درآمد) یا به عبارت بهتر، فقر و نابرابری اقتصادی نیز یکی از چالش‌های مهمی است که مانع شکل‌گیری مشارکت عمومی مردمی در جهش تولید می‌شود. در واقع، مسئله فقر در ایران ناشی از تورم، افزایش نرخ ارز، نابرابری در توزیع ثروت و جلوه‌ای از فساد و ناکارآمدی است. احساس نابرابری الزاماً با خود نابرابری اقتصادی یکی نیست و تغییرات خلقی و میل به بیشترخواهی در ایجاد این احساس مؤثر است.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که هرچه افراد فقر اقتصادی بیشتری داشته باشند، مشارکت اجتماعی کمتری دارند. فقر اقتصادی با تأکید بیش از حد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی اجتماعی نمود می‌یابد و مانند مانعی در ایجاد و برقراری ارتباطات مثبت اجتماعی و نیز افزایش مشارکت شهروندان در امور اجتماعی عمل می‌کند که به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر می‌شود (رضایی، احمدی و مرادی، 1400).

فقر نخست با طرد از منابع شامل منابع اقتصادی و مادی، دسترسی به خدمات عمومی و خصوصی،

پذیرفته شد و بسیاری از کشورها مانند کره جنوبی با تکیه بر این مدل رشد اقتصادی توانستند به رشد سریعی دست یابند، اما در سال‌های بعد، عمل به مدل رشد سولو به دلیل ابهام در نتایج کشورهای مختلف، با شک و تردیدهایی همراه شد.

از آنجاکه عوامل مطرح شده از سوی مدل سولو نتوانسته بود دلیل تفاوت میان کشورها در درآمد سرانه را توضیح دهد، توجهات به تدریج به سمت نظریه نورث در خصوص نقش نهادها در تولید و رشد اقتصادی معطوف شد. نهادها به عنوان عوامل تقویت یا تضعیف بازار در نظر گرفته می‌شوند و محرک‌هایی برای انباشت ثروت و نوآوری به شمار می‌روند. منظور از نهادها، قوانین و مقررات از جمله حقوق مالکیت، دادگاه‌های قابل اعتماد و ثبات سیاسی و همچنین نهادهای فرهنگی از جمله هنجارهای پیرامون صداقت، اعتماد و همکاری است.

اقتصاددانان نشان دادند که کشورها باید نهادها و قواعد بازی خاصی ایجاد کنند تا مدل سولو کار کند. اعتماد و عدالت مؤلفه‌های کلیدی هستند که باعث شکل‌گیری محیط نهادی می‌شوند که قادر به تضمین جهش تولید و رشد اقتصادی است.

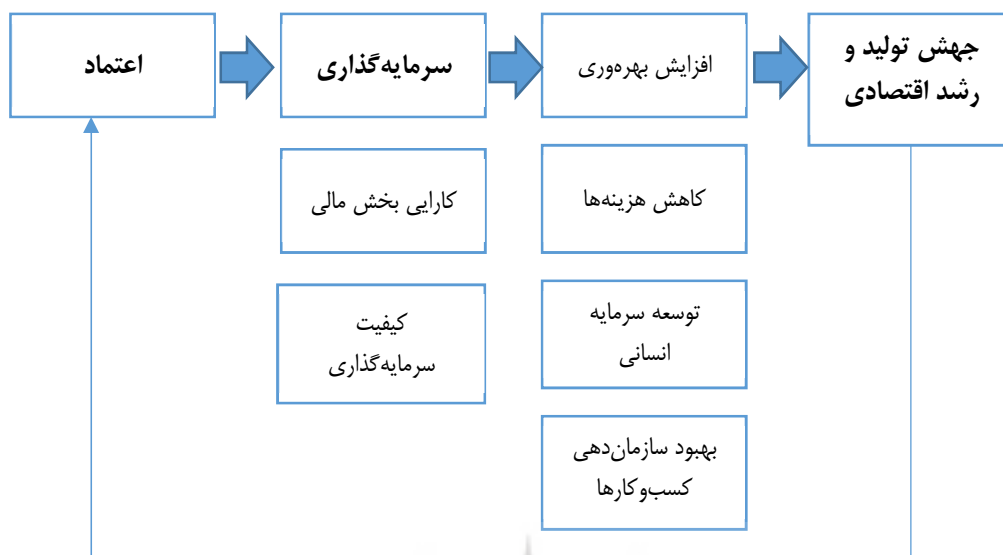
بر اساس مدل سولو، تنها دو راه برای تضمین جهش تولید و رشد سرانه تولید ناخالص داخلی وجود دارد. ۱- افزایش سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارها و ۲- بهبود بهره‌وری. اعتماد به طور عمده‌ای بر این دو فرایند به‌طور هم‌زمان اثر می‌گذارد (شکل ۲).

که با نبود قطعیت و بی‌ثباتی اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، هر تصمیمی که در شرایط تحریمی از سوی دولت گرفته می‌شود، جزو تصمیم‌های کوتاه‌مدت برای کنترل التهابات است تا نیازهای کشور برای مقطع خاصی برطرف شود. در این نوع تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت شاهد زنجیره‌ای از اولویت‌ها و اهداف ناهمگون و گاه متضاد هستیم که نمی‌توانند تأمین‌کننده منافع ملی در بلندمدت باشند و باعث بی‌ثباتی هرچه بیشتر اقتصاد و در نتیجه نااطمینانی بیشتر می‌شوند، مگر اینکه سازوکارهای خنثی‌سازی تحریم‌ها در اقتصاد ملی تحقق یابد.

۲- الگوی پیشنهادی در زمینه ایجاد مشارکت عمومی

در اواسط قرن ۲۰، رابرت سولو، برنده جایزه نوبل اقتصاد، در مدل رشد برون‌زای نئوکلاسیک خود نشان داد که رابطه‌ای قوی میان تولید و رشد اقتصادی با سه متغیر کلیدی وجود دارد که عبارت‌اند از ۱- رشد جمعیت (که باید مثبت باشد، اما نه خیلی سریع)، ۲- پس‌انداز (که در چهارچوب انباشت سرمایه و ظرفیت سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود) و ۳- افزایش در بهره‌وری یا توسعه فناوری (به‌ویژه تحقیق و توسعه و توانایی تولید یا جذب فناوری‌های جدید). سولو ثابت کرد که این عوامل و ترکیب بهینه آن‌ها فرصتی را برای رشد اقتصادی پایدار بلندمدت در اختیار کشورها قرار می‌دهد. برای مدت‌های مدیدی مدل رشد اقتصادی سولو بدون قید و شرط

شکل ۲- رابطه متقابل میان اعتماد و جهش تولید



مأخذ: یافته‌های پژوهش

سرمایه‌گذاری بلندمدت مستلزم اعتماد بیشتر در خصوص نهایی شدن طرح و اتمام آن است. سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه نیاز به اعتماد ویژه‌ای دارد؛ زیرا پیش‌بینی مدت زمان دقیق تحقیق و به فرجام رسیدن طرح، در آغاز سرمایه‌گذاری در طرح‌های نوآورانه تقریباً غیرممکن است. بنابراین، اجرای طرح‌های نوآورانه در صورتی که اعتماد میان سرمایه‌گذار، کارآفرین و محقق اندک باشد، غیرممکن است. بنابراین، عدم اعتماد سرمایه‌گذاری‌ها را به سمت طرح‌های کمتر جاه‌طلبانه که کنترل اجرای آن‌ها آسان‌تر است، هدایت می‌کند. در عوض، طرح‌های نوآورانه جاه‌طلبانه باعث افزایش تقاضا برای کارکنان با تحصیلات عالی که از بهره‌وری بالایی برخوردارند، می‌شود و به‌طورکلی، بهره‌وری اقتصادی را افزایش می‌دهد.

می‌توان گفت که اعتماد مردم به دولت اصلی‌ترین عنصر جلب مشارکت مردمی است. اعتماد به دولت با ایجاد حس مسئولیت و هدف مشترک، انسجام

افزایش اعتماد نه تنها امکان افزایش سرمایه‌گذاری بلندمدت را در دارایی‌های ثابت فراهم می‌کند، بلکه بهره‌وری را از طریق کاهش هزینه‌ها، انباشت سرمایه انسانی و بهبود سازمان‌دهی کسب و کارها افزایش می‌دهد. اعتماد به‌طور مستقیم بر رفتار سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد و مسیرهای سرمایه‌گذاری آینده را تعیین می‌کند. تردیدی نیست که اعتماد به سیستم مالی میزان جذب سرمایه‌گذاری آینده و دوره‌ای را که می‌توان منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری را جذب کرد، مشخص می‌کند.

این واقعیت را که اعتماد بر کیفیت و نوع سرمایه‌گذاری کسب و کارها تأثیر می‌گذارد، نباید نادیده گرفت. فقدان اعتماد برخی از سرمایه‌گذاری‌ها را بسیار مخاطره‌آمیز می‌کند و منجر به توزیع نابهنه سرمایه‌گذاری می‌شود. برای مثال، در کشورهایی که از سطح اعتماد پایینی برخوردارند، معمولاً مردم در پروژه‌هایی با افق زمانی کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری می‌کنند.

به اندازه کافی تلاش نمی‌کنند. با این حال، افزایش اعتماد به نفع همگان خواهد بود. موفقیت در مقابله و مبارزه با فساد منجر به پذیرش گسترده‌تر نهادهای عمومی، کاهش فقر و نابرابری، احترام به حاکمیت قانون و تقویت ثبات سیاسی می‌شود. تاریخ نشان می‌دهد که عدم اعتماد عمومی نسبت به سازمان‌ها و نهادهای دولتی در گذر زمان به مشروعیت نظام سیاسی لطمه وارد کرده است.

درس کلیدی که کشورهای موفق مانند سنگاپور، کره جنوبی و... در ارتباط با مبارزه با فساد در راستای تقویت اعتماد عمومی آموخته‌اند، این است که به دست آوردن اعتماد عمومی از طریق نمایش کارایی با استفاده از نتایج به دست آمده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محکوم نشدن متهمان در پرونده‌های فساد منجر به از دست رفتن اعتماد عمومی نسبت به تلاش‌های صورت گرفته و نیز سازمان‌های درگیر در پیشگیری و مبارزه با فساد می‌شود. از این رو در این دسته از کشورها، مصونیت سیاسی افراد هیچ تأثیری در محکومیت مقام‌های مفسد ندارد. بنابراین، مبارزه قاطع با فساد بدون توجه به مصلحت‌اندیشی‌ها در راستای احیای اعتماد عمومی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۲-۱-۲- اثربخش کردن مجازات و پرهیز از شعارزدگی در راستای احیای اعتماد عمومی

در دو دهه گذشته، طولانی شدن روند بررسی قضایی متهمان پرونده‌های فساد و حتی مشخص نشدن عوامل اصلی آن‌ها، منجر به کاهش اعتماد عمومی نسبت به تلاش‌های صورت گرفته در پیشگیری و

اجتماعی را تقویت می‌کند. اعتماد عمومی دارای ارزشمندی است؛ زیرا محیطی مثبت برای حکمرانی ایجاد می‌کند، مشارکت مردمی را تشویق می‌کند و به رفاه و توسعه کلی جامعه کمک می‌کند و عنصری اساسی برای حکمرانی مؤثر و پایدار است.

۲-۱- گام نخست در پیاده‌سازی الگوی پیشنهادی:
افزایش اعتماد عمومی

درک ضرورت مشارکت مردم و دولت با یکدیگر در تحقق جهش تولید کفایت نمی‌کند. دو طرف باید انگیزه‌های یکدیگر را برای مشارکت بشناسند، حساسیت‌ها و ملاحظات طرف مقابل را در نظر داشته باشند، انتظارات طرف مقابل را به رسمیت بشناسند و حتی برای تحقق آن‌ها تلاش کنند، امکانات و ملزومات مشارکت و موفقیت در فعالیت‌های مشارکتی را فراهم کنند و در نهایت، ارزیابی درستی از نتایج و میزان تحقق انتظارات طرفین داشته باشند. در غیر این صورت هرگونه همکاری و مشارکت میان مردم و دولت محکوم به شکست است.

در دهه ۱۳۶۰، به رغم هشت سال جنگ تحمیلی و مشکلات شدید اقتصادی، انسجام و وحدت ملی و اعتماد مردم به نظام و مسئولان کشور بسیار بالا بود. برای ایجاد اعتماد عمومی و در نتیجه جلب مشارکت مردمی، توجه به برخی موارد از اهمیت بسزایی برخوردار است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱- مبارزه قاطع با فساد بدون توجه به مصلحت‌اندیشی‌ها در راستای افزایش اعتماد عمومی
مبارزه با فساد راه مطمئنی برای تقویت اعتماد عمومی است، اما دولت‌ها برای مقابله و مبارزه با فساد

مبارزه با فساد شده است. عدم برخورد مناسب و به موقع نقطه ضعف اساسی‌ای است که عامل اصلی شکست سیاست‌های مبارزه با فساد است. در بحث اثربخشی مجازات، این مسئله مطرح است که بیشترین بازدارندگی را «اجرای به موقع» مجازات دارد نه «اجرای شدید» آن؛ یعنی مجازاتی که چندان شدید نیست، اما سریع و به موقع اجرا می‌شود، بسیار بازدارنده‌تر از مجازاتی است که شدید است، اما با تأخیر اجرا می‌شود. این موضوع در حالی است که اگر با عامل فساد به موقع برخورد شود، مردم آن را پای قصد حاکمیت برای مقابله با فساد می‌گذارند، اما اگر چند سال بعد برخورد شود، بلافاصله بحث ملاحظات سیاسی مطرح می‌شود.

۲-۱-۳- عمل به وعده‌ها در راستای احیای اعتماد عمومی

در سال‌های اخیر سرمایه اجتماعی کشور و اعتماد مردم به مدیران به‌ویژه دولت کاهش یافته و خسارات زیادی به این سرمایه اجتماعی وارده شده است. دلیل اصلی آن هم عدم تحقق وعده‌ها و امیدهای داده‌شده به مردم از سوی مقامات و مسئولان ارشد است. این باعث شده است که مردم دیگر به قول‌ها و وعده‌های مسئولان اعتماد نکنند.

یکی از راه‌های ایجاد اعتماد مردم و جلب مشارکت عمومی این است که دولت و مقامات به وعده‌ها و تعهدات خود عمل کنند و در صورت عدم انجام دادن آن، اشتباهات خود را بپذیرند و اصلاح کنند. این به معنای تعیین اهداف واقعی و قابل اندازه‌گیری، نظارت و گزارش پیشرفت و نتایج و

مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در قبال اقدامات و نتایج است. همچنین، دولت باید درباره چالش‌ها و خطرهای که با آن‌ها روبه‌روست، با مردم صادق و شفاف باشد و چگونگی برخورد با آن‌ها را توضیح دهد. دولت تنها با عمل به وعده‌ها و تعهدات خود می‌تواند قابلیت اطمینان، صداقت و اثربخشی خود را ثابت کند.

۲-۱-۴- تقویت مسئولیت‌پذیری در راستای احیای اعتماد عمومی

مردم از مدیران منتخب خود می‌خواهند که در قبال تصمیمات حکومتی خود پاسخ‌گو باشند. تمایل به اعتراف به اشتباه به ایجاد اعتماد کمک می‌کند. فرهنگ پاسخ‌گویی به معنای ایجاد شیوه‌های حاکمیتی منطبق با استانداردهای اخلاقی و تکمیل ممیزی‌های منظم بر آن استانداردهاست.

۲-۱-۵- تقویت فرهنگ پاسخ‌گویی و عذرخواهی در میان مسئولان در راستای احیای اعتماد عمومی

یکی از مشکلات سیستم اداری کشور، عدم پاسخ‌گویی مسئولان آن در قبال کم‌کاری‌ها، تأخیر در اجرای برنامه‌ها، عدم اجرای درست وظایف و مسئولیت‌ها و گاه حتی جرائم و تخلفاتی است که مجموعه دستگاه یا مدیران و کارکنان آن مرتکب می‌شوند. اگر دولت‌ها پاسخ‌گو نباشند، یک‌سویه و مستبد و فسادانگیز خواهند شد. فقدان پاسخ‌گویی موجب بی‌اعتمادی و در بی‌اعتمادی، مردم‌سالاری و شهروندی مفهومی نخواهد داشت. وقتی ملتی ببیند که مسئولانش در برابر رفتارهایشان چه مثبت چه منفی پاسخ‌گو هستند و ابایی از عذرخواهی به‌خاطر

برون‌گرا در تعامل و استفاده حداکثری از الزامات نظام بین‌الملل، دولت مقتدر و... دارند.

براین اساس، در ادامه تلاش شده است مهم‌ترین گام‌های اقتصادی که باعث افزایش مشارکت عمومی در اقتصاد و جهش تولید می‌شود، مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱- تلاش برای ایجاد ثبات در اقتصاد کلان

ثبات اقتصاد کلان (یعنی نبود نوسانات بیش از حد و زیاد در اقتصاد) یکی از ارکان حوزه سیاست‌گذاری است که باید الزامات آن در کشور فراهم شود. بی‌ثباتی اقتصاد کلان و پیش‌بینی‌ناپذیری آینده، به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه، رشد اقتصادی لطمه می‌زند. ثبات اقتصادی باعث اطمینان و اعتماد در سطح بازارها می‌شود و شرایط را برای سرمایه‌گذاری (که موتور تولید و اشتغال به شمار می‌رود) فراهم می‌کند. در واقع، ثبات اقتصاد کلان زمینه را برای تحقق نرخ‌های بالای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند؛ به‌ویژه سرمایه‌گذاری بخش عمومی در زیرساخت‌ها. اقتصادهای موفق همگی ثبات اقتصاد کلان را در اقتصاد خود حفظ کرده‌اند؛ به طوری که ثبات اقتصادی در کشورهای شرق آسیا بسیار بالا و ریسک اقتصادی و سیاسی در این کشورها بسیار پایین و همگی از نظر شاخص‌های سنجش ریسک سرمایه‌گذاری جزو امن‌ترین کشورها برای سرمایه‌گذاری به شمار می‌روند.

ثبات اقتصاد کلان از نظر مفهوم و دستیابی به آن بر اساس تئوری ساده به نظر می‌رسد، اما التزام عملی به لوازم آن از جمله عدم وارد ساختن شوک به بازارهای

اشتباهاتشان ندارند، قطعاً در کنار مسئولان قرار می‌گیرند و با تحمل سختی‌ها برای تحقق توسعه و پیشرفت کشور اقدام می‌کنند.

حضرت علی^(ع) می‌فرماید عذرخواهی نشانه خردمندی است. یکی از نکات مثبتی که در نظام اسلامی باعث می‌شود میان مردم و مسئولان اعتماد وجود داشته باشد، این است که مسئولان به‌محض ارتکاب اشتباه باید از مردم عذرخواهی کنند یا اگر خطا بسیار مهم باشد از سمت خود کناره‌گیری کنند. یکی از مسائلی که دولت باید در فرهنگ سیاسی مردم نهادینه سازد، فرهنگ عذرخواهی مسئولان از مردم است که اگر حاکمیت بتواند آن را عملی سازد، جامعه گام‌های بسیاری به سوی پیشرفت برخواهد داشت.

۲-۲- گام‌های اقتصادی افزایش مشارکت عمومی

در مدل و الگوی پیشنهادی افزایش مشارکت عمومی، افزون‌بر احیای اعتماد عمومی، گام‌های دیگری نیز هستند که بر اساس تجارب کشورهای موفق که از رشد بالایی برخوردار بوده و جهش اقتصادی را تجربه کرده‌اند، به کشور در دستیابی به اهداف اقتصادی کمک می‌کند. ویژگی مشترک اقتصادهای با رشد بالا و مستمر حاکی است که این کشورها در کنار اعتماد بالای شهروندان به دولت، اقدامات اقتصادی‌ای را انجام داده‌اند که باعث شده است به رشد بالا و مستمر دست یابند. از جمله این کشورها، کشورهای شرق آسیا مانند کره جنوبی، تایوان، هنگ‌کنگ، سنگاپور، مالزی، تایلند و اندونزی هستند که ویژگی‌های مشترکی مانند ثبات متغیرهای کلان اقتصادی، نرخ بالای سرمایه‌گذاری، توسعه درون‌زا و

از آنجاکه در برنامه هفتم توسعه دستیابی به سهم 15 درصدی برای اقتصاد دیجیتال هدف گذاری شده است، حتی با در نظر گرفتن واقعی بودن سهم 7/4 درصدی اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص داخلی در سال 1401، باید عنوان کرد که این سهم با هدف فاصله دارد و جای تلاش بیشتر است که با توجه به محدودیت‌های اعمال شده بر اینترنت و ادامه دار بودن آن نمی‌توان چشم‌انداز چندان مثبتی را برای اقتصاد دیجیتال در سال‌های آینده متصور بود. اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌شود که بدانیم کشورهایی که نتوانند در زمینه فناوری‌های پیشرفته و دیجیتالی شدن خود کفا شوند، شاهد به خطر افتادن امنیت ملی خود خواهند بود و باید در این زمینه به دیگر کشورها متکی شوند. دولتمردان کشور باید به خوبی آگاه باشند که عدم پیشرفت در حوزه اقتصاد دیجیتال و نداشتن فناوری‌های این حوزه به معنای محروم شدن از درآمدی سرشار، از دست رفتن فرصت‌های شغلی برای هزاران ایرانی، مهاجرت نخبگان ایرانی به کشورهای منطقه و عقب افتادن از این کشورها در رقابت حساس فناوریانه، اقتصادی و سیاسی است. برای مثال، در حال حاضر امارات درصدد جذب کارشناسان و نخبگان ایرانی در این حوزه است.

بسیج منابع و ایجاد چشم‌انداز روشن برای تحول دیجیتال کشور لازم است. مدیران باید با تخصیص منابع لازم، رفع موانع ساختاری و سازمانی و ترویج تغییرات فرهنگی، تعهد خود را به اجرای راهبرد تحول دیجیتال کشور نشان دهند. زمانی که مزایای دیجیتالی سازی به عنوان یک ضرورت و الزام نه یک

مختلف به خصوص بازار ارز یا ایجاد تاب‌آوری در مسیر شوک‌ها بسیار دشوار است و برای دستیابی به اهداف اقتصادی باید تلاش‌های مؤثری انجام گیرد.

سیاست‌گذاران اقتصادی نباید بدون در نظر گرفتن قوانین اقتصادی تصمیم‌گیری کنند، وعده‌های غیرقابل دسترس بدهند و بیش از این به اعتماد کنشگران اقتصادی صدمه بزنند. تا زمانی که صاحبان قدرت، علم اقتصاد را جدی نگیرند و بر تحمیل اراده سیاسی بر منطق اقتصادی اصرار کنند، هیچ توفیقی نصیب سیاست‌های اقتصادی مورد نظر آن‌ها نخواهد شد. برای مثال، افزایش تقاضا موجب افزایش قیمت می‌شود مگر اینکه عرضه نیز متناسب با تقاضا افزایش یابد. با برخورد‌های سلبی و پلیسی کاهش قیمت اتفاق نخواهد افتاد، بلکه وضعیت بازار بغرنج‌تر می‌شود و حتی زمینه‌های گسترش فساد و رانت‌خواری افزایش می‌یابد.

۲-۲-۲- بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصاد دیجیتال

شواهد نشان می‌دهد که تحول دیجیتال تأثیرات مثبتی بر رشد اقتصادی و تحول اقتصاد کشورها و در نهایت، جهش تولید دارد. دولت‌ها در سرتاسر جهان با درک فرصت‌های دیجیتال و خطرهای عقب ماندن در مسابقه تحول دیجیتال، به‌طور فزاینده‌ای تحول دیجیتال را سرلوحه و مرکز برنامه‌های سیاستی خود قرار داده‌اند تا توسعه اجتماعی و شکوفایی اقتصادی را پیش ببرند. تأثیر اقتصاد دیجیتال بر تقویت رشد اقتصادی در مقایسه با دیگر روش‌های سنتی پنج برابر بیشتر است. اقتصاد دیجیتال فرصتی منحصر به فرد برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران برای تسریع رشد، توسعه و جهش اقتصادی ایجاد کرده است.

حاشیه خلیج فارس نیز از جمله این صندوق‌ها هستند که بازدهی بالایی داشته‌اند.

در ایران نیز صندوق توسعه ملی با این هدف شکل گرفت، اما بنا به دلایلی از جمله تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی، عدم استقلال حساب‌های صندوق از بانک مرکزی و استفاده از منابع صندوق برای تأمین بودجه جاری، در حال حاضر دچار مشکل جدی شده است. مدل کنونی تسهیلات ارزی صندوق به علت فقدان الگوی سیاست صنعتی در تخصیص منابع تسهیلات ارزی و نادیده گرفتن طرح آمایش سرزمینی و توجیه‌پذیری اقتصادی، ناکارآمد است و اثربخشی لازم را برای تشویق سرمایه‌گذاری در صنایع کلیدی و مزیت‌دار ندارد. طبق اساسنامه صندوق، بانک عامل فقط باید به طرح‌های مزیت‌دار تسهیلات پرداخت کند، اما با تشدید فشار و تغییراتی که در قوانین و ضوابط صندوق اعمال شد، برای مصارف غیراقتصادی و بدون توجیه نیز تسهیلات پرداخت شد. براین اساس، باید رویکرد صندوق از اعطای فقط تسهیلات به ترکیبی از تسهیلات و سرمایه‌گذاری تغییر کند و سازوکاری برای نظارت در فرایند اعطای تسهیلات و وصول مطالبات ایجاد شود. گزارش‌های صندوق نیز باید از محرمانگی خارج و شفاف شود تا مردم از جزئیات مصوبات و تصمیمات آن مطلع شوند (اسحاقی، ۱۴۰۲).

۲-۲-۴- تلاش برای چابک‌سازی و اقتدار دولت
تجارب جهانی نشان داده است که چابک‌سازی دولت در مجموع به نفع همه ارکان اقتصاد و جامعه است.

اختیار نزد مدیران تصمیم‌گیر درک شود، می‌توان به تحول و پیشرفت اقتصاد دیجیتال و جهش تولید امیدوار بود. بنابراین، وظیفه اولیه دولت تضمین اراده و حمایت گسترده است.

۲-۲-۳- تلاش برای افزایش پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و بهبود وضعیت صندوق توسعه ملی
یکی از مهم‌ترین دلایل رشدهای بالا و سریع در کشورهای آسیای شرقی به‌ویژه کره جنوبی، سرمایه‌گذاری‌های کلان در این کشورها و هدایت این سرمایه‌ها به سمت تولید و زیرساخت‌هاست؛ البته در این بین باید به این موضوع نیز توجه داشت که تجربه رشد در کشورهای در حال توسعه‌ای که دارای منابع طبیعی مانند نفت، گاز، معادن و... بوده‌اند، ابتدا با چالش مواجه بوده است؛ به طوری که باعث بیماری هلندی در این کشورها شد، اما در سال‌های بعد، بسیاری از این کشورها عواید ارزی حاصل از صادرات منابع را طبق راهبرد رشد خود، در اولویت‌های رشد کشور سرمایه‌گذاری و رشد بالا و مستمری را تجربه کردند که نروژ از جمله این کشورهاست. صندوق بازنشستگی دولتی جهانی^۱ که با عنوان صندوق نفت نیز شناخته می‌شود، در سال ۱۹۹۰ برای سرمایه‌گذاری درآمدهای مازاد بخش نفت نروژ تأسیس شد. این صندوق در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین صندوق‌های سرمایه‌گذاری در جهان است که تقریباً ۱/۵ درصد از کل سهام شرکت‌های بورسی جهان را در اختیار دارد. صندوق ثروت ملی امارات، سنگاپور، هنگ‌کنگ و کشورهای

1. Government Pension Fund Global

تأمین منابع مالی و... همراه است. سیاست‌گذار و قانون‌گذار به‌عنوان اقدام ابتدایی برای جلب مشارکت مردم و بخش خصوصی باید خواسته‌های نمایندگان بخش خصوصی از جمله اتاق‌های بازرگانی و تشکل‌ها را در نظر بگیرد. مهم‌ترین عاملی که می‌تواند در شرایط تحریم‌ها یاریگر این بخش باشد، کاهش فشارهای داخلی بر تولیدکنندگان به لحاظ تسهیل در شرایط کسب‌وکار، امور مربوط به بیمه و... است؛ زیرا فقدان انگیزه داخلی موجب عقب‌ماندگی تولید داخل و عدم دستیابی به هدف جهش تولید خواهد شد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با وجود شرایط بد اقتصادی به لحاظ اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های ناشی از آن، با کاهش موانع داخلی تا حد زیادی از موانع پیشرفت این بخش بکاهیم. این موضوع می‌تواند با کاهش مداخلات دولت در برنامه‌های اتاق‌های بازرگانی، تسهیل در روند اعطای مجوزها، کاهش بوروکراسی و یکپارچه‌سازی نظام اداری و تسهیل در روند واردات کالاها و مواد اولیه مورد نیاز شرکت‌های تولیدی با کاهش مراحل گمرکی انجام شود.

در این بین، باید به این موضوع نیز توجه داشت که تولید و صنعت کشور از نبود راهبرد بلندمدت رنج می‌برد. با تدوین راهبرد صنعتی است که یکپارچگی میان دستگاه‌های اجرایی برای تحقق شرایط رشد تولید و رونق تجارت و سرمایه‌گذاری محقق می‌شود. این مسئله نیز نیازمند طراحی و به‌کارگیری سیستم اطلاعاتی و نظام اطلاع‌رسانی قوی، پویا و هماهنگ است که در

رویکرد دولت‌های موفق با رشدهای بالا و تجربه جهش تولید مانند هنگ‌کنگ، کره جنوبی، تایلند و ژاپن، سیاست دولت کوچک و عدم مداخله در اقتصاد و تنها بسترسازی برای آن بوده است. اقتصاد کشورهای شرق آسیا کاملاً آزاد و باز است، اما دولت این کشورها محیط مناسبی برای کارآفرینی و فعالیت بازرگانی و تجاری فراهم کرده و اساساً رشد اقتصادی آن‌ها وابسته به نهادهای هماهنگ دولتی و زیرساخت‌های مناسب و قوانینی است که توسط دولت وضع و اجرا می‌شود. در این کشورها حاکمیت قانون وضعیت مناسبی دارد.

چندین دهه است که در ایران تلاش شده است تا دولت از حوزه تصدیگری اقتصاد خارج شود و تنها به اعمال حاکمیتی بپردازد، اما به دلیل رخدادهایی مانند اعمال تحریم‌ها این تلاش‌ها موفق نبوده است و همچنان شاهد حضور منحصربه‌فرد دولت در اقتصاد ایران هستیم. با این حال، برای دستیابی به اهداف اقتصادی، راهی جز چابک‌سازی دولت وجود ندارد. اقتصاد دولتی در هیچ‌یک از کشورهای دنیا جواب نداده است و تجربیات گذشته نشان‌دهنده این ادعاست. چابک‌سازی و افزایش کیفیت دولت نیز کاملاً مستلزم پیاده‌سازی نظام بودجه‌ریزی عملیاتی در کشور است که اگر کشور به دنبال جهش تولید است، باید به‌طور جدی به سمت بودجه‌ریزی عملیاتی حرکت کند.

۲-۲-۵- افزایش بهره‌وری با کاهش فشارهای داخلی بر تولیدکنندگان و بخش خصوصی

بخش تولید در کشور با مشکلات زیاد داخلی از جمله نامناسب بودن محیط کسب‌وکار، مشکلات

برای گروه‌های ذی‌نفوذ اقتصادی هموار کرده است تا سیاست‌های دولتی را در راستای خواست‌ها و منافع خود دگرگون کنند.

از آنجاکه جلب همراهی مردم برای بالا بردن میزان مشارکت اقتصادی و محقق ساختن شعار سال در گروهی بازمینی و بازننگری در سیاست‌ها و شیوه‌های اجرایی و کشورداری است، در الگو و مدل پیشنهادی جلب مشارکت عمومی در جهش تولید، نخستین گام احیای اعتماد عمومی است. تأکید بر مشارکت مردم برای جهش تولید موضوعی است که خواه‌ناخواه با مفاهیمی مانند «اعتماد عمومی» و تأمین «سرمایه اجتماعی» در راستای توسعه و پیشرفت پیوند می‌یابد. این مسئله در مفاهیم اقتصادی نیز مطرح شده است؛ به طوری که مدل‌های رشد سولو و نورث زمانی می‌تواند در یک اقتصاد کار کند که نهادها و قواعد بازی خاصی ایجاد شود تا منجر به جهش تولید شود و اعتماد مؤلفه کلیدی در ایجاد و شکل‌گیری چنین محیط نهادی‌ای است.

در چند دهه گذشته جامعه ایران بخشی از اندوخته یا سرمایه اعتماد خود را از دست داده است. در شرایطی که جامعه ایران با کاهش اعتماد و عوارض آن دست‌به‌گریبان است، موفقیت هر سیاست و اقدامی با موانعی بزرگ مواجه است. از این‌رو هر نوع تلاش برای توسعه و بهبود وضعیت جامعه ایران به بازسازی اعتماد وابسته است. دولت برای جلب مشارکت مردم باید اعتماد میان مردم و خودش را بازسازی کند. این مهم باید از طریق مبارزه قاطع با فساد بدون توجه به مصلحت‌اندیشی‌ها، اثربخش کردن مجازات و پرهیز از

کنار آن باید از توان نخبگان و صاحب‌نظران بخش خصوصی استفاده شود. آشکار است که کارایی تصمیم‌های اقتصادی در صورتی بیشتر می‌شود که با دقت زیاد و با استفاده از کارشناسان و صاحب‌نظران بخش عمومی و خصوصی و تا جایی که ممکن است به صورت مشارکتی تهیه شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

قدرت‌گیری بخش شبه‌دولتی به واسطه خصوصی‌سازی‌های ناقص، بی‌ثباتی اقتصادی و نبود برنامه‌ریزی بلندمدت، فقدان رویکرد مشارکتی از سوی دولت برای تعامل با بخش خصوصی، تحریم‌ها، بیکاری، تورم و ادراک بالای فساد و فقر، مهم‌ترین موانع و چالش‌هایی هستند که مانع شکل‌گیری و حتی تخریب مشارکت عمومی مردمی در اقتصاد در راستای جهش تولید شده است. در دهه‌های اخیر میزان اعتماد عمومی به دولت رو به کاهش بوده است و فسادهای مالی از جمله مهم‌ترین دلایل این بی‌اعتمادی و کاهش مشارکت بوده‌اند. به واسطه تحریم‌ها، دولت برای تسلط بیشتر بر اوضاع اقتصادی و تلاش برای مهار تورم و گرانی، در تمام زمینه‌های اقتصادی ورود کرده که به علت عدم راهبری صحیح، عقب‌نشینی سرمایه‌گذاران و جامعه و در نتیجه، کاهش شدید مشارکت عمومی را به همراه داشته است.

بخش خصوصی در اقتصاد حاکمیتی و دولتی نقش پررنگی ندارد. کاهش نفوذ شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولتی، راه را

(در صورت کارکرد درست و شفافیت) به تقویت سرمایه اجتماعی و ممانعت از خروج سرمایه و... می‌انجامد.

منابع

- احدیان، صونا؛ و کسرابی، محمدسالار (۱۳۹۷).
سنجش احساس طرد اجتماعی دانشجویان
دانشگاه‌های زنجان. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۹(۳۳)،
۱-۲۹.

- احمدی سعیده (۱۴۰۰). فساد و اعتماد عمومی،
ماهنامه علمی امنیت اقتصادی، دوره ۹، شماره ۹،
شماره پیاپی ۹۲، صفحات ۳۳-۴۶.

- اسحاقی امیرحسام (۱۴۰۲). صندوق توسعه ملی
بی‌توجه به الگوهای موفق جهانی، روزنامه شرق، ۲۰
خرداد ۱۴۰۲، www.ndf.ir

- رضایی، امید؛ احمدی وکیل؛ و مرادی علی
(۱۴۰۰). نقش فقر اقتصادی در مشارکت اجتماعی،
سیاسی و آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: محلات
محروم شهر جوانرود). *پژوهش‌نامه مددکاری
اجتماعی*، ۷(۲۴)، ۳۷-۶۶.

DOI: 10.22054/rjsw.2021.61417.499

شعارزدگی، عمل به وعده‌های مسئولان، صادق و
شفاف بودن مسئولان با مردم، تقویت مسئولیت‌پذیری
و تقویت فرهنگ پاسخ‌گویی و عذرخواهی در میان
مسئولان انجام گیرد.

در مدل و الگوی پیشنهادی افزایش مشارکت
مردمی، افزون‌بر افزایش اعتماد عمومی، گام‌های
دیگری نیز نیاز است که بیشتر از جنس راهکارهای
اقتصادی هستند و می‌توانند در دستیابی به جهش
تولید کمک‌کننده باشند. مهم‌ترین این گام‌ها
عبارت‌اند از تلاش برای ایجاد ثبات در اقتصاد
کلان با جدی گرفتن علم اقتصاد و تصمیم‌گیری
دولتمردان با در نظر گرفتن اصول و قواعد
اقتصادی، بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصاد
دیجیتال، بهبود وضعیت صندوق توسعه ملی و
در نتیجه، تلاش برای افزایش پس‌انداز و
سرمایه‌گذاری، تلاش برای چابک‌سازی دولت و
افزایش بهره‌وری با کاهش فشارهای داخلی بر
تولیدکنندگان و بخش خصوصی.

ترس در میان مردم به دلیل اتخاذ برخی
سیاست‌های نامناسب داخلی و همچنین، اعمال
تحریم‌های خارجی، نوسان متغیرهای کلان اقتصادی
و از هم‌گسیختگی جامعه را تشدید می‌کند. در این بین،
توجه به منویات و راهبردهای اعلامی رهبری معظم
انقلاب اسلامی، وحدت و عزم ملی به‌منظور عبور از
مشکلات اقتصادی، بهره‌مندی از تجربه موفقیت‌آمیز
حضور مردم در هشت سال جنگ تحمیلی، پرهیز از
اختلافات سیاسی به‌خصوص در میان گروه‌های
مختلف سیاسی و بهره‌مندی از ظرفیت رسانه ملی